

جایگاه تشیع در گونه‌هایی از فرهنگ و ادبیات عامه‌ی بختیاری

عباس قنبری غدوی^۱

چکیده:

با روی کار آمدن حکومت شیعی صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق./۱۱۰۱-۸۸۰ ه.ق.) در ایران، ادبیات نیز از نوع نگاه سیاسی- اجتماعی دولت مرکزی بی‌تأثیر نبود. ادبیات شفاهی اقوام ایرانی از این تغییرات بی‌نصیب نماند. اثرگذاری مذهب و تفکرات دینی را در نمودهای زبانی، فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی ایلات و عشایر می‌توان بازجست. در این نوشتار، بازجستی از جلوه‌های دین و مذهب در حوزه‌ی ادب شفاهی عشایر بختیاری به‌عنوان یکی از اقوام نزدیک به پایتخت حکومتی صفویه (اصفهان) مورد توجه قرار می‌گیرد. نمونه‌ها و شناسایی بن‌مایه‌های این باور، بازتابی از بنیان‌های دینی و گرایش‌های مردمی است که می‌تواند از اراده‌ی عامه در گزینش و باورمندی مذهبی یا از تأثیر نوع نگاه حکومت صفویه بر مردم، نشأت گرفته باشد. مبحث امامت و اعتقاد به خاندان مولا علی (ع) و رفتارهای برخاسته از تفکرات مذهبی نشانه‌ای از این اثرگذاری‌هاست که در مقاله‌ی ارائه می‌شود. بختیاری‌ها مردمانی مذهبی و تماماً شیعه دوازده امامی هستند. عشق و علاقه آن‌ها به اسلام، قرآن و سادات به‌عنوان خاندان نبی‌اکرم (ص) و علاقه‌مندی آن‌ها به خاندان امامت و ولایت برگ افتخاری است بر تاریخ این قوم.

واژگان کلیدی: بختیاری، فرهنگ، ادبیات عامه، تشیع، صفویه.

۱. مقدمه:

فرهنگ (culture) بنیان استقلال هر ملت و کشور است و بی‌مدد آن هویت اقوام و نسل‌ها مبهم می‌ماند. جوامع و ملت‌هایی که به فرهنگ خود اتکا کردند و یا به‌خوبی آن را بازشناسی کرده و به دیگران به‌ویژه جوانان خود آموختند، در تمام ادوار تاریخی زنده و شکوفا مانده‌اند. فرهنگ عامه (Folklore- فولکلور) آن بخش از فرهنگ است که در قالب گونه‌های ادبیات عامه (Folk Literature) یا ادبیات شفاهی (Oral Literature) سینه‌به‌سینه و دهان‌به‌دهان، انتقال می‌یابد. هرکدام از بخش‌های این ادبیات چون: ضرب‌المثل (proverb)، ترانه (Bullad)، چیستان (Enigma)، قصه‌های عامیانه (Folk tale)، افسانه‌ها، بازی‌ها، تعارف‌ها و آداب و رسوم، باورها و... دربرگیرنده‌ی اندیشه، رفتار، منش و بینش گویشوران قومی است. بزرگترین بلا برای یک قوم آن است که این بخش از ادبیات خود را فراموش کند و یا سبک‌شمارد. بنیاد این نوشتار بر موضوع فولکلور (folk lore) و فرهنگ شفاهی مردم بختیاری است. بختیاری‌ها به‌عنوان یکی از اقوام ایرانی، با هویت، پیشینه و ادبیات متنوع و بسیار غنی مورد توجه پژوهشگران فرهنگ، تاریخ، زبان و ادبیات و حتی مسایل سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و می‌گیرند. این توجه در کانون قوم‌شناسی و مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی فرهنگی قابل بررسی و تحلیل تخصصی و دانشگاهی است. ویژگی ادبیات عامه، شفاهی بودن و سیالی آن است؛ نبود مکتب‌خانه‌ها و مراکز امروزی چاپ و نشر بین عشایر کوچنده، موجب شد که مردم حافظه‌ی تاریخی و ادبی خود را از نسلی به نسل دیگر بسپارند و منتقل نمایند. ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه‌ی هر دوره ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی همان دوره را در آفرینش‌های مردمی خود نشان می‌دهد؛ بدیهی است که مردم عادی نگرش و بینش خود را نسبت به هر مساله، در ساخته‌های کلامی و آیین‌ها و رسوم ایلی خویش نمایان کنند. از این رو، با روی کار آمدن حکومت واحد شیعی صفوی در ایران، اقوام مختلف مسایل دینی و اعتقادی خود را در زندگی روزمره‌ی خود، نشان می‌دهند. در آن دوره، بختیاری‌ها در ناحیه‌ی مرکزی ایران، به صورت کوچگر، در محدوده‌ی معینی از سرزمین آبا و اجدادی خود بین استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، لرستان و خوزستان (معروف به خاک بختیاری) زندگی می‌کردند. این مردم که اغلب بر مدار زندگی کوچروی و سازمان نظام یافته‌ی ایلی زیر نظر خان‌ها، کلانتران و ریش سفیدان خود روزگار می‌گذراندند. کاوش‌های علمی نشان

می‌دهد که این مردم از جایگاه دین بهره‌مند بوده و هستند؛ وجود ده‌ها و صدها امام‌زاده، پیر و مکان مقدس منسوب به خاندان امام علی(ع) از گرایش‌های شیعی این مردم حکایت دارد. مواد تحقیق این مقاله در محدوده‌ی چهارم‌حال و بختیاری و خوزستان، بر پایه‌ی روش میدانی جمع‌آوری شده است و در دو بخش مادی و معنوی دسته‌بندی گردیده‌اند. در پایان، این نوشته به این پرسش پاسخ می‌دهد که اندیشه، آیین‌ها، عقاید و باورهای مرتبط با مذهب تشیع در گونه‌های ادبیات شفاهی بختیاری چگونه تجلی می‌یابد؟

۲. اهمیت و ضرورت:

ویژگی اساسی و مهم ادب عامه، انتقال آن از فردی به فرد دیگر، گروه‌ها و اقوام و جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر است و به ضرورت طبیعت، اقلیم و شرایط زندگی آنان نوع انتقال آن نیز معین می‌شود. تاثیر دین در فرهنگ عامه، ضمن مشخص کردن جایگاه متقابل دین و مردم، می‌تواند بنیان‌های دانشی قوم‌شناسی و مردم‌شناسی را برای ما نمایان سازد. از دیگر سو این نیاز نیز وجود دارد که تحلیل ادبیات عامه موجب شناخت صحیح و درستی از یک قوم و گویشوران آن شود. زیرا خواسته‌ها، آرمان‌ها و تمایل مادی و معنوی خود را در درون‌مایه سروده‌ها و اشعار، یا قصه‌ها و... نشان می‌دهند. زن عشایر واگویی‌های خود را با هیزم، فرش، مشک آب، درو، شیردوشی گوسفندان و گاو و... بیان می‌کند. مرد بختیاری نیز، غم، شادی، حماسه، آرمان‌های ایلی خود را که یک تاریخ عظیم در پس آن نهفته دارد در قالب بیت‌های حماسی، سرکُهی (صیادی - sar kohi) برزگری، غنایی، تعلیمی و یا غم سروده‌هایش به نمایش می‌گذارد. این پژوهش ضرورت مطالعه‌ی عمیق و شناخت مطلوب مردم گویشور دیار را از دوران گسترش تشیع در ایران و به ویژه زاگرس میانی، برای ما روشن‌تر می‌سازد. بی‌شک مردم‌شناسی یک قوم به سبب ماهیت و پیچیدگی نیازهای معنوی انسان بدون بهره‌گیری از ادبیات شفاهی و فرهنگ عامیانه آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. این تحقیق فرصت مناسبی را فراهم می‌کند تا با استناد به روش‌های علمی و دانشگاهی گنجینه‌ی الفاظ و دل سروده‌ها و نثر شفاهی یک قوم را در چهارچوب علمی و دانشگاهی، بازشناسی نمود.

۳. اهداف پژوهش:

چشم‌انداز اصلی پژوهش در دو بخش قابل بیان است: در این پژوهش یک هدف کلی دنبال می‌شود که جایگاه تشیع را در ادب شفاهی بختیاری‌ها مشخص نماید. اهداف دیگری (اهداف جزئی) نیز در این پژوهش نهفته است که به تبیع دست‌یابی به هدف غایی، ملموس و دست‌رس خواهد بود. از قبیل:

- ۱- بیان برخی از آرمان‌ها و عقاید قومی ایران در قالب گونه‌هایی از فولکلور و ادبیات شفاهی همراه با تحلیل و بررسی کارکردهای آن؛
- ۲- حفظ و انتقال میراث ملی و قومی ایرانیان؛
- ۳- انتقال مظاهر عاطفی و احساسی یک قوم ایرانی؛
- ۴- آشنایی با دین، مذهب، حکمت، خرد، ادبیات و فرهنگ توده‌های ایرانی (به ویژه عشایر کوچنده)؛
- ۵- آشنایی با گونه‌های ادب عامه و فولکلور مردم بختیاری؛
- ۶- برقراری ارتباط علمی و پژوهشی گذشته، حال و آینده ادبیات و فرهنگ عامه‌ی بختیاری‌ها؛
- ۷- استفاده از ادبیات، فرهنگ و آیین‌های محلی برای نشان دادن هویت ملی و انتقال ارزش‌های اخلاقی و دینی قوم بختیاری؛
- ۸- پاس‌داشت بخشی از ادبیات، فرهنگ عامه و فولکلور ایران؛

۴. پیشینه‌ی پژوهش:

حمدالله مستوفی صاحب تاریخ گزیده نخستین کسی است که در سال ۱۳۳۰ میلادی از بختیاری نام برده است و

محمد کاظم صاحب تاریخ عالم‌آرای نادری نیز برای اولین بار (۱۷۴۰ م.) از دو شاخه چهار و هفت‌لنگ ذکر کرده به میان آورده است (گارثویت، ۱۳۷۳، ص ۸۸). سیاحان نامداری چون ابن بطوطه و ناصر خسرو قبادیانی از چهارمحل و بختیاری عبور کرده‌اند. ابن بطوطه در سفرنامه‌ی خود این ناحیه را «هند کوچک» نامیده است (استانداری، ۱۳۷۹، ص ۱۲). شاردین (۱۶۸۶، ص ۱۴۷) از نخستین محققانی است که درباره‌ی بختیاری‌ها (لرها) چنین سخن رانده است: در جهت غرب اصفهان و در مجاورت این سرزمین استان لرستان قرار دارد که به نام بخشی از مناطق پارت باستان مشهور و امتداد آن در سمت عربستان تا بصره است. مردمان این سرزمین به شهرنشینی و مجتمع‌های مسکونی هیچ گونه رغبتی نشان نمی‌دهند. اغلب ایشان چادر نشینند. خان بزرگ اداره‌ی عشایر را بر عهده دارد (امان، ۱۳۶۷، ص ۶۹). در دوره‌ی مورد بحث، فعالیت‌های خاصی به صورت مکتوب در حوزه‌ی بختیاری و ادبیات شفاهی در دست نیست ولی در دوره‌های بعد و به ویژه در عصر قاجار و پهلوی، متن‌ها، خاطره‌ها، گزارش‌ها و فیلم‌مستند نیز وجود دارد. نظام ایلیاتی و سازمان اجتماعی بختیاری‌ها بسیار مهم و قابل تأمل است. این ایل خود به دو شعبه‌ی اصلی چهار و هفت لنگ تقسیم می‌شود. هرکدام از این دو شعبه به چند باب و هر باب به چند طایفه قابل تفکیک است. تَش، اولاد، گُر بوو (پسر و پدر)، خانوار تقسیمات جزئی‌تر این نظام است (نگر، قنبری، ۱۳۸۱، ص ۴۱ و میرزایی، ۱۳۷۳، ص ۸۳ و آهنجیده، ۱۳۸۲، ص ۱۰). سرگرد لاریمر (۱۸۶۷-۱۹۶۲) موادی را از لری (بختیاری)، کرمانی و گبری (لهجه‌ی زرتشتیان) جمع آوری کرده بود و چند متن درباره‌ی موضوعاتی چون تولد، عروسی، مرگ و تدفین، طلسم عشق، مهمان نوازی، طلب باران و ... جمع آوری کرده بود. (صادقی، ۱۳۷۹، ص ۶۰). والتین آلکسیویچ ژوکوفسکی روسی در خلال سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۱۸ میلادی تحقیقات گسترده‌ای را در باب ایرانیان و به ویژه بختیاری‌ها آغاز نمود. مریان سی کوپر، ارنست بی شوت ساک و مارگارت هریسون هم در یک کار نو در سال ۱۹۲۵ نخستین فیلم مستند بی‌صدای ایران را با نام گرس^۱ (علف) ساختند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). این فیلم مستند با روی‌کرد قوم‌شناسی، موضوع زندگی، کوچ، طبیعت خشن و برخی عناصر دیگر را مورد توجه قرار دادند. امیرحسین ظفر ایلخان بختیاری حدود چهل سال بعد در سال ۱۳۳۴ ه.خ. از این سفر کتابی به نام «سفری به سرزمین دلاوران» منتشر ساخت. پس از آن مستندهایی چون «گوسفندان باید زنده بمانند» (آنتونی هوارث)، «تاراز»، «شقایق سوزان» و... نیز با رویکرد قوم‌نگاری و مردم‌شناسی تولید شد.

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی ۵. بحث و تحلیل متن‌ها:

بختیاری‌ها اکنون به طور کامل مسلمان و دارای مذهب جعفری (شیعه دوازده امامی) هستند. این ایل بزرگ گرداگرد دین، مذهب، زبان، ساختار و قوانین اجتماعی خود از اتحاد بسیار بالایی برخوردارند. وجود اماکن دینی و مذهبی چون پرستشگاه‌ها، قدم‌گاه‌ها و امامزاده‌های فراوان در مناطق شهری، روستایی و عشایری خاک بختیاری، نشانگر بالا بودن روحیه‌ی دینی - مذهبی این مردم است. از قبرستان‌های قدیمی، آداب، رسوم و فرهنگ معنوی عامه‌ی بختیاری چنین استنباط می‌شود که آن‌ها پیش از گزینش و تشرّف به دین مبین اسلام، زرتشتی بوده‌اند. احترام به آتش، قسم خوردن، پرهیز از خاموش کردنش و وجود قبرهایی که مردگان را به روش زرتشتیان به خاک سپرده‌اند؛ نشانه‌هایی از این مدعاست. بنابه اقوال عموم بختیاری‌ها امام رضا (ع) در سفر خود به خراسان از دیار بختیاری گذشته است و این مسافرت سبب روی آوردن تدریجی آنان به دین مبین اسلام گردید. برای مثال طایفه‌ی بابااحمدی معتقدند که «بابااحمد» (امام‌زاده‌ای در خوزستان) برادر امام رضا (ع) است. هم‌چنین علاقه و اعتقادشان به حضرت عباس (ع) مثال زدنی است در تجارت، کار و غم و شادی زندگی به این قهرمان عرصه‌ی کربلا توسّل می‌کنند. در این بخش، تاثیر و جایگاه اندیشه‌ها و آرمان‌های شیعی در ادبیات و فرهنگ شفاهی بختیاری، به دو بخش مادی و معنوی (غیرمادی) و هریک به زیرمجموعه‌های کوچک‌تری دسته‌بندی و ارایه می‌گردد:

۱-۵ عناصر مادی:

۱-۱-۵ ابزارها:

الف) مردم نوشته‌ها: عبارت‌های «یا علی»، «علی ولی الله»، «یا ابوالفضل»، «یا حسین»، «یا زهرا»، «یا فاطمه‌ی زهرا»، «یا مهدی» و سایر ایامه و امام‌زادگان در متن‌های ماشین‌نوشته‌ها، دیوار نوشته‌ها و... کاربرد فراوانی دارد که از ارادت و علاقه‌ی مردم حکایت دارد. گاه این عبارت‌ها با متن بومی و یادکرد امام‌زادگان محلی نوشته می‌شود.

ب) ابزار جنگی: در فتح اصفهان به رهبری ضرغام السلطنه بختیاری، همراهی ابوالقاسم خان، و نقش پررنگ روحانی آگاه زمان، حاج آقا نورالله و بزرگان و انقلابیان اصفهان چهره‌ی فرهنگی و اعتقاد این مردم به خوبی نمایان است. ابراهیم خان ضرغام به نیت نام مبارک علی (ع) بر اساس حروف ابجد ۱۱۰ سوار بختیاری را در میدان شاه (میدان امام) مستقر نمود. این چهره‌ی سیاسی - مذهبی بختیاری‌ها قیام خود را به نام خدا و با تاسی از مراجع عالی مقام آغاز می‌کند و برشمیری که به این منظور تهیه می‌کند عبارت و شعار شیعی «لافتی آلا علی لا سیف آلا ذوالفقار» را حک می‌کند و به نیت دوازده امام شیعه در فتح اصفهان با ۱۲ نفر از نزدیکانش (برادران و خان‌زادگان بختیاری) این خیزش مهم را شروع نموده، سامان می‌بخشد (دانشور علوی، ۱۳۷۷ و شاکری بروجنی، ۱۳۸۵). این اقدام خان بختیاری از علاقه و اعتقاد قلبی و ایمان آنان حکایت دارد.

۲-۱ مسکن:

الف) کتیبه نویسی: بیشتر اهالی روستاها و مراکز بختیاری نشین، با نوشتن نام اهل بیت روی کتیبه‌ی سردر خانه‌های خود این ارادت را نمایان می‌کنند. اغلب نام مقدس پنج تن، صلوات، یا علی (ع)، کلمه الله حصنی... و... از جمله‌ی عبارت‌های شیعی است که در ورودی و کتیبه‌ی خانه‌های مردم بختیاری وجود دارد.

ب) پرچم و تابلو: در اعیاد، آیین‌ها و جشن‌های مذهبی، مردم بختیاری، با عبارت‌هایی چون: اللهم صل علی محمد و آل محمد، یا مهدی، یا زهرا، یا علی، یا حسین، نصب پرچم، چراغانی کردن کوچه‌ها و ورودی خانه‌ها ارادتشان را به اهل بیت نشان می‌دهند.

پ) درهای چوبی: در ساخت درهای چوبی و کوبه‌ای از میخ‌هایی به تعداد ایامه یا معصومان (ع) استفاده می‌شود. جلوه‌هایی از فرهنگ و باور اجتماعی - اخلاقی ایرانیان در درهای چوبی قدیمی وجود دارد. نمونه‌ی آن کوبه‌های آن است که کوبه‌ی چکشی که صدای بم تولید می‌کند از آن مردان و کوبه‌ی حلقه‌ای که صدای زیر دارد، از آن زنان است؛ تا وقتی زنی پشت در هست، زن صاحب خانه در را باز نماید. این مساله با نکات مهم روابط تعریف شده‌ی روستاییان و مردم قدیمی شهرهای ایران پیوند دارد.

ت) مکان‌ها: در نواحی بختیاری نشین، مکان‌های زیارتی چون مساجد، حسینیه‌ها، قدمگاه یا جای نشان دادن کرامت و مدد به بیچارگان وجود دارد که به امام علی (ع) و فرزندانش مربوط است. قدمگاه حیدر کرار (در مرغملک شهرکرد) و جای سم دلدل، از این نمونه است.

۳-۱ خوراک:

الف) عقیده: بر اساس سنت دینی، بختیاری‌ها چون سایر مسلمانان برای هر نفر گوسفندی قربانی می‌کنند که قواعد دقیقی دارد. مثلاً نباید شل، کور، بیمار، استخوانش شکسته یا کمتر از شش ماه باشد. عشایر بختیاری به چشم این گوسفند سرمه می‌کشند، بر سرش حنا می‌گذارند و دستمال یا شال شده‌ای به گردنش می‌بندند. ذکر صلوات، خواندن دعا و گفتن عبارت‌هایی که به شیعه‌گری فرد اشاره می‌کند؛ در این سنت خوراکی تهیه می‌شود و با خواندن قرآن و دعا و توسل به اهل بیت آیین ولیمه دادنش نیز اجرا می‌گردد. بنا به عقیده‌ی عوام این قربانی چون اسبی در قیامت فرد را به بهشت می‌رساند.

ب) حلوائ الفه: آخرین پنجشنبه‌ی سال (پیش از نوروز) بختیاری‌ها حلوائی با خرما و روغن محلی (خوش) درست

و در نان‌های تیری توزیع می‌کنند که به حلوا‌ی الفه یا مردگان مشهور است. در هنگام پختن حلوا، نام ایمه ذکر می‌گردد و برای اموات مومنان خیرات می‌شود.

۴-۱ پوشاک:

تزئینات و پوشش: در پوشش و تزئینات مردم بختیاری، نمونه‌هایی از دکمه، انگشتر، دست بند و... وجود دارد که به نام اهل بیت و به ویژه پنج تن منقش و مزین است. این مساله یادآور کلاه‌های بطیخی (خربزه‌ای) در دوران صفویه است که ۱۲ شیار داشتند و قزلباش‌ها از آن استفاده می‌کردند.

۵-۱. پیشه‌ها و مشاغل:

الف) سقایی: در محرم و به ویژه دهه‌ی نخست آن، برخی با مشک، بشکه‌های کوله‌پشتی و ظرف‌های دیگر، داوطلبانه به مردم و به خصوص عزاداران آب، شیر یا شربت‌های مختلف می‌دهند.

ب) آشپزی: برخی در اعیاد و مجالس عزاداری شیعیان، داوطلبانه کار آشپزی هیئت‌های مذهبی را انجام می‌دهند.

پ) نقش‌نمایشی: در حوزه‌ی ادبیات نمایشی و اجرای نقش در تعزیه، بازیگران بدون دریافت مزد، با نذر هرساله، نقش ایفا می‌کنند. گاه اجرای نقش‌های مخالف با مشکلاتی همراه است که در طول سال با سرزنش‌هایی نیز همراه است.

۶-۱. اقتصاد و معیشت:

بیع حضرت عباس(ع): یکی از شیوه‌های معامله و تجارت در فرهنگ شیعی بختیاری، معامله‌ی حضرت عباسی یا بیع حضرت عباسی است. این پیمان به صورت شفاهی و با دست دادن افراد با یکدیگر و پذیرش ده درصد سود سالم و حلال بدون تقلب، منعقد می‌گردد.

۷-۱. آموزش و تربیت:

الف) نام ایمه: آموزش نام دوازده امام به فرزندان در قالب متنی منظوم، به نهادینه ساختن این تفکر کمک می‌کند:

اگر خوانم ایمام(امام) اولی را / شهنشاہِ عرو(عرب)، یعنی علی را

زبان گشاده‌ام پُرسم سخن را / ایمام دومی، ایمام حسن را

امام سومی، شاه شهیدان / حسین تشنه لب، چای ماه تابان

امام چهارمی زین العباده / که فرزند حسین چون پاکزاده

امام پنجمی محمد باقر / به فریادم رسه روز آخر

امام ششمی امام جعفر / به فریادم برس تو روز محشر

امام هفتمی موسای کاظم / در آخرت چه چاره سازم؟

امام هشتمی امام رضا را / بفریادم برس روز جزا را

امام نهمی محمد تقی را / نشان من بده راه اخی (حقی) را

امام دهمی امام تقی را / هم رهبر و هم کاردان را

امام یازدهم امام عسگر / نشان من بده تو راه محشر

امام دوازدهم مهدی‌الهادی / صاحو زمین و زمان، خلیفه‌ی رحمان (گوینده: شهباز قنبری، ۱۳۹۲).

ب) آموزش نام معصومان: ملاها هنگام رویت ماه جدولی دارند که نام چهارده معصوم (ص) به ترتیب در آن قرار دارد و توصیه می‌کنند که برای تبرک و دعا به آن نگاه کنند (گوینده: رستم محمدی، ۱۳۹۲).

محمد ص	علی ع	فاطمه س	الحسن ع	الحسین ع
علی ع	محمد ع	جعفر ع	موسی ع	علی ع
محمد ع	علی ع	الحسن ع	الحجّه ع	

۲-۵ عناصر معنوی:

۱-۲-۵ آداب و رسوم:

الف) تعارف‌ها: در فرهنگ عامه‌ی بختیاری کودکان با نام اهل‌بیت آشنا می‌شوند. اگر کودکی به زمین بخورد و یا بخواهند از زمین خوردن او جلوگیری کنند؛ و یا بخواهد برخیزد از عبارات‌های «یا علی»، «یا علی ماشالا»، «علی بوومی» (ای علی؛ بابامی) استفاده می‌کنند. در تعارف‌ها مثل احوال‌پرسی و خداحافظی از متن‌های «در پناه مرتضا علی» یا «در سایه‌ی مولا علی» استفاده می‌کنند. عبارت «دست علی همراست» (همراست) در پاسخ به مسافر نیز گفته می‌شود (گوینده: شاهی جان قنبری، ۱۳۹۲).

ب) آب نوشیدن: هنگام نوشیدن آب به کودکان یاد می‌دهند که از عبارات‌های «سلام بر حسین»، «یا حسین شهید» یا «سلام بر حسین تشنه لب» بهره‌جویند.

پ) نذری و قربانی‌ها: یکی از نذری‌های رایج در بختیاری، نذر به نیت چهارده معصوم و به ویژه نذر امیرالمومنین، سیدالشهدا و نذر بی فاطمه‌ی زهرا (بی بی فاطمه) و... است.

ت) نام‌شناسی: نام‌های بختیاری، رابطه‌ی بسیار خوبی با عقاید و باورهای مذهبی آنان دارد. نام‌های زنان و مردان آن از عناصر شیعه‌گری آن‌ها به شمار می‌آید: محمد، علی، رضا، حسین، عباس، جواد و... ترکیب‌های دو یا سه‌جزیی: کلبعلی، محمدعلی، امیرحسین و... یا نام‌های فاطمه، زهرا، زینب، زینب خاتی (خاتون) از این دست‌اند.

ث) آش هفت فاطمه: آشی که مواد آن را از هفت نفر فاطمه نام، جمع‌آوری می‌کنند تا برای سلامتی بیمار، رفع حواجی، بخت‌گشایی و... نذر شود.

ج) سفره‌ی صد صلوات: آیین زنان‌ای که با نذر صلوات روی سفره‌ای سبزرنگ انجام می‌شود.

چ) سفره‌ی ابوالفضل: سفره دعا و نذری به نیت حضرت ابوالفضل (ع) برای رفع بیماری و برآورده شدن حاجت‌ها (گوینده: راشین کریمی، ۱۳۹۲).

ح) دخیل بستن: عشایر و روستاییان با بستن پارچه‌هایی سبز به درخت‌های مقدس و کهن سال، به اهل بیت متوسل می‌شوند تا حاجتشان در پیشگاه حق روا گردد. این مساله به‌ویژه برای درختانی که مشرف به مکان مقدس یا امامزاده‌ای هستند؛ بیشتر رخ می‌دهد. چون عشایر برای فعالیت‌های روزمره خیلی مشغله دارند، همین مورد را با چیدن پنج یا هفت سنگ و اجرای آیین زیارت و نماز خواندن می‌بینیم (گوینده: کتابون احمدفخرالدین، ۱۳۹۲).

۲-۲-۵ آیین‌های ملی و مذهبی:

الف) عاشورایی‌ها: نوحه‌ها و مراثی بختیاری‌ها و تاسوعا همراه با سینه‌زنی و عزاداری و سوکینه خوانی است اشعار منظوم ساده که از عمق باورهای محکم و صاف ایلیاتی آن‌ها سرچشمه گرفته و به صورت مثنوی بیان می‌شوند، بیانگر علاقه‌مندی آنان به این خاندان و پای‌بندیشان به آرمان‌های قیام حضرت امام حسین (ع) است. نمونه‌هایی از این سروده‌های مذهبی و نوحه‌ها را در ذیل مشاهده کنید:

ای واویلا صد واویلا به سی حسین کربلا (ای واویلا، صد واویلا برای حسین کربلا)

حسن و حسین ای وا حسین! رختا حسین شُشتم (حسن و حسین ای وا حسین، لباس‌های حسین را شستم!)
وندم به بردِ پُشتم سی چه خُدا نکُشتم... (روی سنگ پشتم گستردم، چرا خدا مرا نکشت؟! - که این صحنه‌ها را دیدم)

یا در سوگ علمدار کربلا و چهره‌ی برجسته‌ی تاسوعایی و یار وفادار امام و برادر خود، حضرت ابوالفضل (ع) و زینب کبری (س) یا دیگر عزیزان این خانواده در صحرای عطش، خون و حماسه چنین می‌سرایند:

عَلَم اشکست علم داره نی بهد زینو غم خوار نی (علم شکست، علم‌دار را نیست، بعد از زینب غم‌خواری نیست)

سکینه نشسته، یا حسین! دو دست بسته، یا حسین!

حیدریمُ سیاه پوش به سی حسین زُئمُ جوش

(حیدری سیاه پوش هستم، برای امام حسین(ع) جوش می‌زنم). منظور از حیدری: شیعه‌ی حیدر.

انگشتر عرش عَلا گُمُ اویده به کربَلا (انگشتر عرش اعلی، گم شده در کربلا)!

در عین سادگی، روی کرد مثبت و با احترام مردم به نهضت ماندگار عاشورای حسینی به صورتی از آرایه‌ها چون

استعاره (انگشتر عرش اعلا: استعاره از امام حسین(ع)) بر می‌خوریم (ر.ک. قنبری عدیوی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

ب) تعزیه: برگزاری نمایش مذهبی تعزیه در ایام سوگواری دهه‌ی محرم، ایام ضربت خوردن امام علی(ع) و رحلت پیامبر اکرم (ص) و... در بین بختیاری‌ها، جایگاه مذهبی آنان را نیز به‌تر نشان می‌دهد. اگر چه اشعار و متون که در تعزیه‌ها خوانده می‌شود؛ بر گرفته از نسخ و بیاض فارسی است، اما در اجرا از پوشش (لباس) و گویش بختیاری هم بهره می‌گیرند و یا برخی واژه‌ها را به صورت عمد و یا به سبب فراوانی تکرار به زبان مادری خود به کار می‌گیرند. این تعزیه‌ها همراه با مراسم گُتل، سوگواری و نوحه خوانی زنان و نواختن ساز چپ چُنجان سوزناک و غم‌آفرین است که قطره‌های اشک را از دل پاک و صاف ایللیاتی آن‌ها و هر انسان آزاده‌ای به چشم آورده و بر چهره جاری می‌سازد. اگر در جستجوی «فلسفه‌ی تعزیه» هستیم باید به ریشه‌های مذهبی و تلاش برای ذکر مصیبت و زنده نگه داشتن نهضت ظلم ستیزی امام حسین (ع) توجه کنیم، این نمایش مذهبی تنها از جنس تئاتر و بازی‌های روی صحنه نیست، بلکه مرور تاریخ و حادثه‌ی شگفت، آموزنده و انسان ساز عاشورا است، بازیگران این نمایش به قصد قربت و با وضو (چون نماز) آن را اجرا می‌کنند، کودکان و جوانان این نقش‌ها را برای خود افتخاری می‌دانند که در تمام سال شخصیت مثبت خود را در منظر دیگران حفظ می‌کنند و آن‌ها که نقش امام(ع) یا حضرت عباس(ع) را برمی‌گزینند، حرمت این لقب منور و متعالی را باید حفظ کند، در حرف‌ها و اعمالش نباید دون شان آن بزرگان عملی انجام دهد. در طول سال، حرمت این شخصیت‌ها را باید پاس دارد. بازیگران تعزیه، بابت کارشان حقوق دریافت نمی‌کنند؛ بلکه این نذر را برای خود لازم و حتی تکلیف الهی می‌دانند. رنگ‌ها، آوازها، شیپورها، حرکت اسب‌ها و یا حضور شیر و... در تعزیه و به طور تمام بر اساس قاعده انجام می‌شود. نوحه خوان‌ها و برپاکنندگان آیین‌های مذهبی در شهرها، روستاها و عشایر بختیاری بدون چشم داشت و حتی به صورت نذر سالانه این کارها را انجام می‌دهند. پوشیدن لباس زیبا، نصب بیرق سیاه و سبز، قرار دادن قرآن در پارچه‌ی مخمل و کوبش دهل و نواختن ساز چپ در این ایام بسیار دیده می‌شود. سینه زنی و پخت آش، حلوا و خوراک نذری، همراه با قرایت قرآن از رسوم دیگر بختیاریان در این موسم است. قرایت سوره‌های یس، الرحمن، واقعه، حمعه، مُلک، انسان، نبا، اعلی، قدر، فاتحه و توحید در مراسم مختلف رایج تر است. در آیین بزرگ داشت اموات نیز به ویژه شب جمعه این سوره‌ها را بیش تر می‌خوانند و سپس خوراک (ناهار یا شام) می‌دهند.

۳-۲-۵ هنرهای قومی:

الف) موسیقی: آوا در فرهنگ بختیاری، بسیار پررمز و راز و شکوهمند است. در عرصه‌های متنوع و مختلف این موسیقی و آواها کاربرد دارد. بی شک موسیقی مذهبی و دینی برگرفته از فرهنگ دینی و باورهای مذهبی (شیعی) این قوم است. مرثیه خوانی، نوحه خوانی‌ها، عزاداری‌های محرم (یا مناسبت‌های دیگر) و تعزیه خوانی گویشی و آوازی غم بار بختیاری از عمده‌ترین گروه‌های موسیقایی دینی در دیار بختیاری است. اشعار و آوازهای مذهبی در مکتب خانه‌ها (کتاب جواهری)، چاووش خوانی، سحری خوانی، صلوات نامه، دعای تیربند (حفاظت یا تعویذ) و... دسته بندی می‌شوند.

ب) خال‌کوبی: استفاده از نمادهایی چون شمشیر مولا علی(ع) موسوم به «ذوالفقار» و نام مولا «علی»، امام حسین، مهدی موعود(عج) و... بر روی بازو یا ساعد از باورهای قلبی مردم بختیاری به تشیع علوی است. زنان نیز از نشانه‌هایی چون خورشید، ماه، ستاره، چند نقطه استفاده می‌کنند.

ت) شیرسنگی: در بختیاری روی قبر مردان نامدار، بزرگ خاندان، جوانان رشید، شهیدان دفاع مقدس، و شایستگان

تندیسی هنری از شیرسنگی (بَرْدَشیر - bardešeir) می‌گذارند. در دو سو (پهلوی) این تندیس، نگاره‌هایی از شمشیر (ذوالفقار علی) و یا اشعار مذهبی و حماسی حک می‌کنند. این مساله در کنار دیرینگی سنت سنگ نهادن بر خاک مردگان، با روح ایلپاتی و شجاعت و لیاقت فرد در گذشته پیوند دارد (قنبری عدیوی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

ث) مافگه: در بین عشایر و روستاییان بختیاری، برای مرده‌ای که در ناحیه‌ی دیگری فوت کند و به خاک سپرده شود؛ نمادی مکعبی به نام «مافگه» (mâfegah) می‌سازند. اگر مرده در منطقه‌ی سردسیر مدفون باشد در گرم‌سیر برایش مافگه می‌سازند. این کار جدای از ارزش اجتماعی و جایگاه فرد، نوعی یادبود برای برپایی آیین سوگ و قرابت فاتحه است. این بنای هنری گاه با سنگ مرمر تزیین می‌شود و روی این سنگ اشعار و تصاویری نگاشته می‌شود که با تفکر مذهبی بختیاری‌ها مرتبط است.

ج) سنگ قبر: بختیاری‌ها برای مردگانشان ارزش فراوانی قایلند. اشعار و نمادهای فراوانی به فارسی، عربی (آیه و حدیث) و عبارت‌های بختیاری حک می‌کنند. گاه اشعاری در وصف مرده و ارادت وی به اهل بیت نوشته می‌شود.

د) آگهی ترحیم: روح حماسی و اندیشه‌های شیعه‌گری بختیاری‌ها در آگهی فوت آنان وجود دارد. هم چنین اشعاری که در مجلس عزا خوانده می‌شود به فرهنگ تشیع و علاقه مندیشان به اهل بیت اشاره دارد.

۴-۲-۵. سرگرمی‌ها:

الف) بازی‌ها: از سنت‌های عشایری سوارکاری، چوب بازی و دیگر تفریحات سرگرمی و ورزشی - رزمی است که هنگام هنرنمایی، ضربه زدن، تحریک به حرکت و نشان دادن رضایت باطنی انجام عمل، از عبارت‌های «علی باوامی»، «ها ماشالا علی»، «یا علی»، «یا حسین» و... استفاده می‌گردد.

ب) فال گرفتن: امام زاده بابا احمد در دامنه‌ی کوه اُدیو (odiv) واقع است که چاه یا چشمه معدنی دارد و مردم برای نذر و نیاز هم آن جا می‌هروند. یکی از راه‌های فال گرفتن آن است که فرد داخل آب معدنی می‌هروند و نیت می‌هکند، سپس یک مشت شن از درون آب بیرون می‌آورد، اگر چیزی (سنجاق، هسته خرما و...) در آن بود، حاجت روا می‌شود.

۵-۲-۵ ادبیات عامه:

الف) ضرب المثل‌ها و امثال داستانی: متن‌های بسیاری در بختیاری وجود دارد که به نحوی برخاسته از تفکر شیعی آنان است (قنبری عدیوی، ۱۳۸۱):

۱. روغن ریجده‌نه نَرُده حضرت عَبَّاس نی‌کنن! روغن ریخته را نذر حضرت عَبَّاس نمی‌کنند. (منت نهادن بر کسی با چیزی که از دست رفته است).

۲. ای‌مام حسین! «چَنو خواره» که نوحه خُونس سَناره. امام حسین (ع) آن‌قدر خوار شده (نعوذبالله) که نوحه‌خوانش سَنار است. (وقتی فردی نالایق متولی امری خیر شود).

۳. پیر چَلوله! پیر خاشاک! (سوگندی بی‌اساس و دروغ). نوعی بازی و شوخی پسران است که فردی که سخنی بگوید، دیگران دو تکه چوب کوچک به صورت ضرب‌در زیر جامه خود پنهان می‌کنند، می‌گویند قسم بخور که دروغ نمی‌گویی. بعد به او می‌گویند باید زبان را در میان دو چوب قرار دهی آن‌گاه با هم آوردن چوب‌ها زبان او را فشار داده می‌گویند: سوگند دروغ خورده‌ای!

۴. چَل پیر شوشتر. چهل پیر شوشتر. (شهر مذهبی و با قدمت دیرینه شوشتر را به خاطر امامزاده‌های زیادی که در آن است بدین صورت یاد می‌کنند).

در ترانه‌های عامیانه‌ی خوزستان نیز می‌گویند:

قَسَم خوردم سَر چَل پیر شوشتر به غیر از تو نگیرم یارِ دیگر

۵. چی ای‌مام‌زاده داوود نه گُور گُنه، نه شَفَا اِدِه. چون امامزاده داوود نه کور می‌کند نه شفا می‌دهد.

(فرد بی‌خاصیتی است - البتّه حرمت و شأن امام‌زاده ارج الهی داشته، در مثل مناقشه نیست).

۶. خُم تُندتر اِز تُمس تا ایما مزاده: خودم تندتر می‌زنم تا امام‌زاده. حکایت: مردی که دزد مال خود را شناسایی کرده بود، برای طلب خود نزد وی رفت. بزرگان بر این شدند؛ که دزد در صحن امام‌زاده قسم بخورد، اگر قسم دروغ بخورد؛ امام‌زاده او را تنبیه کند. دزد به دروغ سوگند خورد. مال‌باخته‌ی بیچاره که مطمئن بود سوگند دروغ است با چوب بر فرق دزد زده، او را بی‌هوش کرد و گفت:...

۷. به ای شه که سره نره ور گنیمسون / ارکه نکنیم هدیم ز زنگل کمتر:

به این شاه (امام‌زاده سوگند می‌خورم) که (از) روی تپه آن‌ها را بر می‌گردانیم. اگر این کار را نکنیم از زن‌ها کم‌تریم. در سوگندها جایگاه ایمه و امامزادگان نشانه‌ای از ولایت‌مداری بختیاری‌هاست.

۸. حر دجاله: خر دجال شده است.

شلوغی و بی‌نظمی را افاده می‌کند. کسی یا چیزی که افراد زیادی را به دور خود جمع کند. در اعتقادات ما شیعیان است که پیش از موعود امام عصر «عج» فردی یک چشم به نام دجال ظهور کرده، بر الاغی نشسته که مدفوعش خرماست. مردم را به گرد خود جمع می‌کند و... (ر.ک. لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۲۰۴، دجال). این متن به باور شیعی ظهور منجی بین بختیاری‌ها نیز اشاره دارد.

۹. امام‌زاده بی‌مُعجزنه هیشکی به پابوس نی‌ره: کسی به پابوس امام‌زاده‌ی بی‌معجزه نمی‌رود. افرادی که هنری ندارند موجب احترام دیگران نیستند.

ب) دوبیتی / رباعی‌ها: اشعار مردمی بختیاری با یادکرد ایمه و اهل بیت ریشه در تفکر شیعی بختیاری‌ها دارد:

به غیر از تو نگیرم یار دیگر
به قرآنی که آیش بی‌شماره
به مولایی که تیغش ذوالفقاره
سر از بالین عشقت بر ندارم
که تا دین محمد برقراره!

تجلی مضامین و عناصر دینی به روح ایلپاتی مردم و علاقه مندی شان به فرهنگ غنی اسلام اشاره می‌کند. عشایر ایران مردمانی با اعتقاد راسخ به مبانی اسلام و احکام شریعت هستند. دین، قرآن و مفاهیم معنوی و صادقانه‌ی آن در ادبیات فولکلوری از علاقه‌مندی آنان به این اصول نشان دارد. این اشعار در عین سادگی پر شور و پر معنایند. در درون خود مضامین مردم شناسانه و قوم شناسانه را نیز دارند، نه تنها عاشقانه‌اند، گاهی اندیشه‌های دینی و مذهبی نیز در این گونه ترانه‌ها وجود دارد:

سر کوه بلند فریاد کردم / امیرمومنانینه یاد کردم
امیر المانین یا شاه مردان / دل نا شادگونه، شاد گردان

(سرکوه بلند فریاد می‌کردم - امیرمومنان را یاد می‌کردم / امیرمومنان ای شاه مردان! دل‌های ناشاد را شاد گردان!)
پ) ترانه‌های عروسی: در شادیانه‌ها (ترانه‌های بزمی) زنان و دختران نغمه‌هایی را به صورت فردی و گروهی زمزمه می‌کنند که در آن با تلمیح به داستان‌های اسلامی و به ویژه ازدواج دختر عمو و پسر عمو به زندگی امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) اشاره کرده برای دختر عمو و پسر عموها چنین می‌گویند:

تانه زامی تاته زامی عقد مو ور تو حلال / تانه زامی تاته زامی عقد مو ور تو حلال
(دختر عمویم هستی، عقد تو برای من حلال است - تا کدخدایانم بنشینند نامی از شیربها میاور)
سیرشته مهر علی، رینه کرده وا علی / تانه زا خت بی‌تره تا غریو دیگری

(محبت علی (ع) در دل تو سرشته شده است، به امام علی (ع) روی کن و عمو زاده‌ی خودت را بگیر که از هر غریب دیگری بهتر است).

نام بر کردن شهرهای مقدس و مذهبی نیز در این گونه‌ها نشان از شیعه‌گری بختیاری‌ها و عشق و علاقه‌ی آنها به امام حسین (ع) دارد:

قالی گپ آقا فلوونی ونده یلا دولا یه سرس موری به سرس به کربلا

(قالی بزرگ آ ... یک لایه و دو لایه انداخته بود- یک سرش به دشت موری و یک سرش به کربلا بود).

(ت) غم‌گویه‌ها: در اشعار حزن و اندوه (سرو/ گاگریو/ دمدال) استفاده از نام امام علی (ع) برای اشعار به همان روح بلند عشایری و شیعه‌گری بختیاری‌ها اشاره می‌کند:
از زبان متوفا:

پا نهادم به رکاو یاد کردم علی نه بارالا بم برسون آجعفرقلی نه

(به رکاب پا گذاشتم و امام علی (ع) را یاد کردم، خدایا آجعفرقلی را به من برسان).

(ث) کودکانه‌ها: در ترانه‌های آرام‌بخش کودکان (لالایی‌ها) نیز نام اهل بیت به‌ویژه مولا علی (ع) شنیده می‌شود:

لا لا لا لا کُنم خُووت کنم مو علی گویم، بیدارت کُنم مو
لا لا لا که لایست میایه بخواب جونم تا بابایت بیایه

(لالایی می‌گویم تا تو را بخوابانم، یا علی (ع) می‌گویم و بیدارت می‌کنم، بخواب که خوابت می‌آید، بخواب جانم تا بابایت بیاید). یا در نمونه‌ی دیگر:

لا لا لا گل گردو باباش رفته من اردو
خدا همراه باباش با علی پشت و پناهنش با

(بخواب ای گل گردو، باباش رفته در میان اردو- خدا همراه پدرش باد، علی (ع) پشت و پناهنش باد).

(ج) سوگندها: سوگند دادن یا سوگند خوردن به نام مقدس اهل بیت در بختیاری رایج است. آنان معتقدند که سوگند دروغ، علاوه بر کیفر الهی، موجب زیان مادی و معنوی فراوانی می‌شود. نمونه:

به قرون مرتضا علی (ع)- به دست بریده‌ی ابلفضل (ع)- به پهلوی اشکنده‌ی زهراس (س)- به سیدشهدا (ع)-

(چ) پیامک‌ها: اگر گونه‌ی امروزی پیامک را به عنوان بخشی از ادبیات عامه بشماریم؛ کار درستی است زیرا آنچه ریشه‌ی مردمی دارد؛ در این حوزه می‌گنجد. پیامک‌های بسیاری در قالب عبارات تبریک و تهنیت، تسلیت، حدیث، نکته‌ی اخلاقی و... از اهل بیت به زبان بختیاری ارسال می‌شود که برخاسته از آرمان‌های شیعه‌گری بختیاری هاست.

www.anjomanfarsi.ir

۶-۲-۵ باورها و عقاید:

(الف) راه‌یابی: در گذشته که راه‌یابی در کوهستان‌ها سخت بود و نشانه‌ای وجود نداشت، هنگام جستن یا انتخاب راه از روشی به نام «علی- عمر» استفاده می‌شد. در این روش اگر فرد بر سر دو راهی قرار می‌گرفت؛ سنگ کوچک و صافی را برمی‌گزید و دو راه را به نام علی (ع) و عمر نام گذاری می‌کرد. سپس یک طرف سنگ را با آب دهان خیس می‌کرد؛ و مثل سکه بالا پرت می‌کرد اگر طرف خیس می‌آمد به راه علی (ع) می‌رفت.

(ب) دیدن ماه نو: از دیرباز در فرهنگ ایرانی ما، دیدن ماه نو برای مردم نوعی آیین شاد همراه با باورهای مذهبی بود. این مراسم با حضور زنان و مردان و کودکان روی بلندی و تپه‌ای صورت می‌گیرد و به هنگام دیدن هلال ماه این اشعار و ترانه‌ها به صورت جمعی یا فردی خوانده می‌شود:

مه نه دیدم به شادی/ به ری گو و ماهی/ به ری و رز ای خیشی به ری گله‌ی میشی/ به شادی ویدی به شادی
بری! (پریجان قبری، ۸۰ساله، بی‌سواد، کهرنگ) برگردان: ماه را به شادی دیدم- به روی گاو و ماهی دیدم- به روی گاو نر
کشت کار- به روی گله‌ی میشی دیدم- [ای ماه] به شادی آمدی- به شادی بروی!

پ) **باورها:** باورهای بختیاری در حوزه‌های مرتبط با تفکر شیعی زیادند که برای نمونه، چند مورد آن ذکر می‌گردد:
۱. قرمزی نوک کبک و کبوتر برای آن است که به خون امام حسین (ع) نوک زده‌هاند، پس آن‌ها را در خانه نگهداری نکنید.

۲. کبوتران در عزای امام حسین (ع) ناله و نوحه سر می‌دهند.

۳. هیچ گاه نباید آتش را خاموش کرد، یا در آن آب ریخت و یا به آن بی حرمتی کرد. هنگام خاموش کردن (کور کردن) آن می‌گویند: «بسم الله گرگ»؛ یا «بسم الله» یا «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

۴. بستن پارچه سبز متبرک به ضریح امام‌هزادگان یا از دست سادات خوش یمن است.

۵. کشتن یا خیانت کردن به سادات جرم سنگینی است و برای فرد و فرزندان او خسارت‌های بدی به جا می‌گذارد. مثل «مر سید کشتیمه» (مگر سید کشته‌ایم)، از همین جا نشات می‌گیرد.

۶. زنان عشایر هنگام رسیدن به دره (گالال galâl) روبه روی امام زاده بازهید^۱ (bâzehid) چلو، خود را به شتاب به سنگریزه‌ها می‌رسانند و در آن‌ها چنگ زده، نیت می‌کنند که امسال این همه کره جمع کنم (به تعداد هر سنگ واحد حجم یا کیلو).

۷. سر حوض بهشت امام علی (ع) نشسته و کاسه‌ای در دست دارد، هر که دوست‌دار او باشد، از آن آب به او می‌دهد تا آتش جهنم به او کارگر نباشد.

۸. خرس، شیر و سایر حیوانات به نام ایمه احترام می‌گذارند؛ اگر فرد آن‌ها را قسم بدهد، ممکن است او را رها کنند.

ت) **چله‌بری:** برای سلامتی زن زائو و فرزند، دعایی خوانده می‌شود و سه نخ یا رشته‌ی پشمی را سه یا هفت گره می‌زنند. بنا بر این باور مادر و نوزاد از شر موجوداتی چون «آل» و چشم زخم حسودان در امان می‌ماند. عشایر از این دعا برای بچه دار شدن و نشانه‌ای برای اسب، گاو و گوسفندان خود هم استفاده می‌کنند (سناره القاسی، ۱۳۹۲).

۶. نتیجه‌گیری

فرهنگ هر قومی آینه‌ی اندیشه‌ها و خرد تاریخی اوست. باور مذهبی و قومی ما در گونه‌های مختلف زندگی ما خود را نمایان می‌سازد. این باور و فرهنگ در ساخت فولکلور و ادب شفاهی خلقی خود را بهتر نشان می‌دهد. فرهنگ مردم بختیاری نشان می‌دهد که جلوه‌های شیعه‌گری خود را در گونه‌های ادبیات شفاهی نمایان می‌کنند. این تجلی به شکل‌های زیر است:

۷. فهرست منابع: www.anjomanfarsi.ir

الف) مکتوب:

۱- آهنجیده، اسفندیار: *ایل بختیاری و مشروطیت*، ذره بین، اراک، ۱۳۷۴.

۲- استانداری چهارمحال و بختیاری. *بر بام ایران*. تهران: استانداری، ۱۳۷۸.

۳- امان، دیتر: *بختیاری‌ها عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ*، ترجمه سیدمحسن محسنیان، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

۴- دانشور علوی، نورالله (مجاهد السلطان): *جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری (تاریخ مشروطه ایران)*، آنزان، تهران، ۱۳۷۷.

۵- دهخدا، علی‌اکبر: *لغت‌نامه‌ی دهخدا*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.

۶- سرواستن هنری لایارد، استاک، مادام بیشوپ، لینچ، ویلسون: *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*، ترجمه مهرباب امیری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۷۱.

- ۷- شاکری بروجنی، خسرو، *ضَرغام السُّلطنه بختیاری، فاتح اصفهان و قهرمان مشروطه*، آزادمهر، اصفهان، ۱۳۸۵.
- ۸- صادقی، علی‌اشرف: *نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی*، مرکز نشر دانشگاهی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۹- قنبری عدیوی، عباس: *امثال و حکم بختیاری*، ایل، شهرکرد، ۱۳۸۱.
- ۱۰- قنبری عدیوی، عباس: *جستاری در فرهنگ و هنر بختیاری*، نیوشه، شهرکرد، ۱۳۸۹.
- ۱۱- قنبری عدیوی، عباس: *فولکلور مردم بختیاری*، نیوشه، شهرکرد، ۱۳۹۰.
- ۱۲- قنبری عدیوی، عباس: *ادبیات عامه‌ی بختیاری*، نیوشه، شهرکرد، ۱۳۹۱.
- ۱۳- گارثویت، پروفیسور جن.راف: *تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری*، ترجمه مهراب امیری، نشر سهند، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۴- میرزایی دره‌شوری، غلامرضا: *بختیاری‌ها و قاجاریه*، انتشارات ایل، شهرکرد، ۱۳۷۳.

ب) شفاهی:

- ۱- رستم محمدی احمد محمودی، ۸۲ ساله، مکتبی و عطار محلی، کوهرنگ.
- ۲- شهباز قنبری عدیوی، ۸۲ ساله، ابتدایی، بازنشسته، شهرکرد.
- ۳- پریجان قنبری، ۸۰ ساله، بی‌سواد، کهرنگ.
- ۴- شاهی جان قنبری، ۶۰ ساله، ابتدایی، خانه دار، شهرکرد.
- ۵- کتابون احمدفخرالدین، ۶۰ ساله، خانه‌دار، اصفهان.
- ۶- راشین کریمی، ۴۵ ساله، دیپلم، خانه دار، شهرکرد.
- ۷- ستاره القاسی، ۵۵ ساله، ابتدایی، خانه دار، شاهین شهر.



دانشگاه هرمزگان

انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir